

پانیوم — عدد بیست و دو

۳۱ دسامبر، ۲۰۲۳

Jeff Pippenger

2026-03-12

از ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، شیر سبط یهودا حقایق نبوی را به ترتیبی مشخص مهرگشایی کرده است. این ترتیب را می‌توان به سادگی با مرور مقالاتی که در وبسایت Future for America منتشر شده‌اند، تشخیص داد. در ماه‌های اخیر، حقایقی که مهرگشایی شده‌اند بسیارند و عمیق! این ترتیب تصادفی نیست، بلکه هدفمند است. این توالی به روشنی فرایندی پی‌درپی و هدفمند را نشان می‌دهد که مسیح، به عنوان شیر سبط یهودا، آن را در هنگام مهرگشایی پیام‌های نهایی آزمایش برای کلیسا و پس از آن برای جهان، به انجام می‌رساند. در کتاب مکاشفه، شیر سبط یهودا کتابی را که به هفت مهر مختوم است برمی‌گیرد و مهرها را یکی‌یکی—به ترتیب—برمی‌دارد.

به ترتیب خویش آشکار خواهند شد

«پس از آن که این هفت رعد صداهای خود را برآوردند، همان‌گونه که درباره کتاب کوچک به دانیال فرمان داده شد، به یوحنا نیز این دستور می‌رسد: «آنچه را که هفت رعد گفتند، مهر کن.» اینها به وقایع آینده مربوط می‌شوند که به ترتیب خود آشکار خواهند شد. دانیال در پایان ایام در نصیب خویش خواهد ایستاد. یوحنا کتاب کوچک را گشوده می‌بیند. آنگاه نبوت‌های دانیال جایگاه شایسته خود را در پیام‌های فرشته اول و دوم و سوم، که باید به جهان داده شوند، می‌یابند. گشوده شدن کتاب کوچک، همان پیام مربوط به زمان بود.»

«کتاب‌های دانیال و مکاشفه یکی هستند. یکی نبوت است و دیگری مکاشفه؛ یکی کتابی مهرشده، و دیگری کتابی گشوده. یوحنا اسراری را که رعد‌ها بیان کردند شنید، اما به او فرمان داده شد که آنها را ننویسد.»

«آن نور خاصی که به یوحنا داده شد و در هفت رعد بیان گردید، ترسیمی از وقایعی بود که تحت پیام‌های فرشته اول و دوم به وقوع می‌پیوست. مصلحت نبود که مردم از این امور آگاه شوند، زیرا ایمان ایشان الزاماً باید آزموده می‌شد. در ترتیب الهی، شگفت‌انگیزترین و پیشرفته‌ترین حقایق اعلام می‌گردید. پیام‌های فرشته اول و دوم باید اعلام می‌شد، اما پیش از آن که این پیام‌ها کار ویژه خود را به انجام رسانند، هیچ نور بیشتری نباید آشکار می‌گردید. این امر به وسیله آن فرشته‌ای نشان داده شده است که یک پا بر دریا نهاده، با سوگندی بس جدی اعلام می‌کند که دیگر زمانی نخواهد بود.» The Seventh-day Adventist Bible Commentary, volume 7, 971.

مکاشفه نهایی «هفت رعد» پس از سال ۲۰۲۳ گشوده شد، و آشکار ساخت که «هفت رعد» نمایانگر نخستین ناامیدی آلفا تا واپسین ناامیدی امگا است. به یوحنا اجازه داده نشد که هفت رعد را تعریف کند، زیرا مکاشفه «هفت رعد» تحقق منفرد تاریخ نبود، بلکه تصویری از یک «ترسیم رویدادها» بود که در تاریخ میلری واقع شد و قرار بود در ایام آخر بار دیگر واقع شود. تحقق کامل برای این به نمایش گذاشته شد که تاریخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا قانون یک‌شنبه قریب‌الوقوع را به تصویر کشد. شیر آن نور را گشود تا بر تاریخ برپا شدن هیکل صد و چهل و چهار هزار بتابد.

در تاریخ میلریتی، «هفت رعد» نمایانگر دوره ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ بود؛ زمانی که میلریتی‌ها «شگفت‌انگیزترین و پیشرفته‌ترین حقایق» را عرضه کردند. در پیگیری کاری که به آنان سپرده شده بود، میلریتی‌ها آزموده شدند. آنان پیامی را که اعلام می‌کردند، یا تاریخی را که در حال تحقق بخشیدن

به آن بودند، به طور کامل درک نمی کردند. حقایقی که آنان اعلام کردند، همان چیزهایی بود که خواهر وایت آن ها را «حقایق پیشرفته» تعریف می کند؛ حقایقی که قرار نبود تا پس از آنکه پیام های فرشته اول و دوم کار خود را به انجام رسانده باشند، فهمیده شوند.

هنگامی که «هفت رعد» به کمال تحقق خود برسند، آن «وقایع آینده» به وسیله پیام های سه فرشته مکاشفه چهارده، در ترکیب با کتاب دانیال، نمود می یابند. کار صد و چهل و چهار هزار نفر، که به وسیله «وقایع آینده» ی «هفت رعد» نمایانده شده است، در هم آمیختن کتاب دانیال با پیام های سه فرشته است.

«خداوند در شرف آن است که جهان را به سبب گناهش مجازات کند. او در شرف آن است که هیئت های مذهبی را به سبب رد نور و حقیقتی که به آنان داده شده است، مجازات نماید. پیام عظیم، که پیام های فرشته اول و دوم و سوم را در هم می آمیزد، باید به جهان اعلام شود. این باید بار رسالت ما باشد.» The Seventh-day Adventist Bible Commentary، جلد 7، ص. 950.

از ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، شیر سبط یهودا حقایق نبوی را در «نظمی» مشخص از مهرگشایی بوده است.

تاریخ میلریتی ها

«در حال حاضر کسانی هستند که، در حین مطالعه نبوت های دانیال و یوحنا، هنگامی که از عرصه ای عبور می کردند که در آن نبوت های خاص به ترتیب خود در جریان تحقق بود، نور عظیمی از جانب خدا دریافت کردند. آنان پیام زمان را به مردم رساندند. حقیقت همچون خورشید در نیمروز به روشنی درخشید. رویدادهای تاریخی، که تحقق مستقیم نبوت را نشان می داد، در برابر مردم قرار داده شد، و نبوت چنین دیده شد که ترسیم نمادینی از وقایعی است که تا پایان تاریخ این زمین امتداد می یابد.» Selected Messages, book 2, 101, 102.

«ترتیب» ی که مسیح در حال گشودن مهرهای پیام فریاد نیمه شب بوده است، بیانگر «رویدادهای تاریخی» است که «تحقق مستقیم نبوت» را نشان می دهند؛ رویدادهایی که به بسته شدن زمان فیض منتهی می شوند. تحقق مستقیم نبوت در ایام آخر، مکاشفه ای از نبوت هایی که بر زمان مبتنی اند نیست؛ اما پالمونی همچنان از اعداد برای شناسایی تحقق های مستقیم نبوت استفاده می کند. دیگر زمانی در کار نیست، و هرچند میلری ها «پیام زمان» را به نسل خود حمل کردند، پیام فرشته سوم از «زمان» نیرومندتر است.

«خداوند به من نشان داده است که پیام فرشته سوم باید برود و به فرزندان پراکنده خداوند اعلام شود، و این که نباید بر زمان آویخته شود؛ زیرا زمان هرگز دیگر آزمون نخواهد بود. دیدم که برخی از موعظه زمان به هیجانی کاذب دچار می شوند؛ و این که پیام فرشته سوم از آنچه زمان بتواند باشد نیرومندتر است. دیدم که این پیام می تواند بر بنیاد خود خویش استوار بایستد، و نیازی به زمان ندارد تا آن را تقویت کند، و این که با قدرتی عظیم پیش خواهد رفت و کار خود را انجام خواهد داد، و در عدالت کوتاه خواهد شد.» Experience and Views, 48.

ترتیبی «نظم» که در گشودن مهرهای حقایق نبوی دیده می شود، یک تاریخ تدریجی را مشخص می کند، اما همچنین تکامل پیام را نیز معین می سازد. «نظم» تاریخ بازنمایی شده، و نیز رد پاهای این که شیر قبیله یهودا از ۳۱ دسامبر چگونه پیام را گشوده است، هر دو برای درک نجات بخش اند. در ژوئیه ۲۰۲۳، ندایی در بیابان آغاز کرد تا راه را برای گشودن مهرهای ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ مهیا سازد. سپس شیر قبیله یهودا باب نخست مکاشفه را گشود.

اور کچه نهی

"پیام‌های جدّی‌ای که به ترتیب خود در مکاشفه داده شده‌اند، باید جای نخست را در ذهن قوم خدا اشغال کنند. نباید اجازه داده شود که هیچ چیز دیگری توجه ما را به خود مشغول سازد." شهادت‌ها، جلد 8، 301، 302.

مقالاتی که در سال ۲۰۲۳ آغاز شدند، باید «جایگاه نخست را در اذهان قوم خدا» اشغال کنند.

«هر آنچه خدا در تاریخ نبوی معین کرده است که در گذشته به انجام رسد، به انجام رسیده است؛ و هر آنچه هنوز در ترتیب خود در پیش است، واقع خواهد شد. دانیال، نبی خدا، در جایگاه خود ایستاده است. یوحنا در جایگاه خود ایستاده است. در مکاشفه، شیر سبط یهودا کتاب دانیال را بر شاگردان نبوت گشوده است، و بدین‌سان دانیال در جایگاه خود ایستاده است. او شهادت خود را ادا می‌کند؛ یعنی آنچه خداوند در رؤیا درباره وقایع عظیم و پرهیبت که ما باید آنها را بدانیم، در حالی که بر آستانه تحقق آنها ایستاده‌ایم، بر او مکشوف ساخت.»

«در تاریخ و نبوت، کلام خدا کشمکش طولانی‌مدت میان حقیقت و خطا را به تصویر می‌کشد. این کشمکش هنوز هم ادامه دارد. آنچه بوده است، بار دیگر تکرار خواهد شد.» Selected Messages، کتاب ۲، ص. ۱۰۹.

سی

پیام دانیال یازده آیه چهل در سال ۱۹۹۶ مهرگشایی شد و به‌صورت رسمی تدوین گردید. سی سال بعد، تاریخ پنهان همان آیه اکنون در ارتباط با رسمیت‌یافتن پیام فریاد نیمه‌شب در حال مهرگشایی است؛ پیامی که مشتمل است بر پیش‌بینی بیرونی اصلاح‌شده درباره اسلام، در پیوند با پیام درونی اصلاح‌شده فریاد نیمه‌شب. پیام فریاد نیمه‌شب پیش از قانون یکشنبه آیه شانزدهم اعلام می‌شود، زیرا در تمثیل، این در بسته‌شدن در قانون یکشنبه رخ می‌دهد.

پطرس

این امر پطرس را در تاریخ مهر شدن صد و چهل و چهار هزار قرار می‌دهد. پطرس پیامی داشت که آن را در بالاخانه اعلام کرد، و پیامی که آن را در هیکل اعلام نمود. پیام بالاخانه همان فریاد نیمه‌شب مثل است، و پیام هیکل همان فریاد بلند فرشته سوم. برای آن که پطرس بتواند پیام بالاخانه، یعنی فریاد نیمه‌شب، را اعلام کند، لازم بود که پیام او نخست اصلاح و صورت‌بندی شود. این اصلاح و صورت‌بندی از طریق گرد آوردن خطوط نبوتی‌ای انجام می‌گیرد که شیر سبط یهودا از ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ تاکنون در حال شناسایی آن‌ها بوده است.

اکنون کار آن است که پیام فریاد نیمه‌شب صورت‌بندی شود. صورت‌بندی این پیام به‌وسیله ویلیام میلر در سال ۱۸۳۱، و مجله The Time of the End در سال ۱۹۹۶، نمونه‌وار پیش‌نگاشته شده است. اصلاح پیامی که نخستین نومی‌دی را در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ پدید آورد، هم به‌وسیله جوسایا لیچ و هم به‌وسیله ساموئل اسنو نمونه‌وار پیش‌نگاشته شده است. کاری که هر یک از ایشان انجام دادند، «سبب» آن «اثری» شد که در پی ۱۱ اوت ۱۸۴۰، و در پی جنبش ماه هفتم، آمد. در ۱۸۴۰ این پیام به هر ایستگاه بشارتی در جهان برده شد و در ۱۸۴۴ پیام فریاد نیمه‌شب همچون موجی خروشان بر سراسر کرانه شرقی ایالات متحده درنوردید. کار مردان، «سبب» آن «اثر» ریزش روح‌القدس شد. ۱۸۴۰ به جهان رفت، که به‌وسیله دریا نمایانده شده است، و ۱۸۴۴ به ایالات متحده رفت، که به‌وسیله زمین نمایانده شده است. نماذ ۱۸۴۰، مسیح بود که در مکاشفه باب ده بر زمین و دریا ایستاده است، و همان باب، تاریخ ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ را مشخص می‌سازد و مسیح را در حالی ترسیم می‌کند که بر زمین و دریا ایستاده است.

در هر دو سال 1840 و 1844، اصلاح پیش‌بینی، اصلاحی رو به جلو در زمان بود، تا رسیدن به تاریخ دقیق. یکی پیش‌بینی اسلام بود و دیگری پیش‌بینی مثل ده باکره. یکی بیرونی بود و دیگری درونی. سال 1844 همچنین مشتمل بر خطای سوءفهم قدس بود. آیا قدس، زمین بود، یا قدس آسمانی؟ این سوءفهم حتی عمیق‌تر از صرف تعریف قدس بود، زیرا همچنین آزمونی را نمایندگی می‌کرد که آیا نفسی، مسیح را از مکان مقدس تا قدس‌الاقداس پیروی خواهد کرد یا نه.

«میں نے دیکھا کہ باپ تخت سے اُٹھا، اور ایک شعلہ زن رتھ میں سوار ہو کر پردہ کے اندر، قدس الاقداس میں گیا اور وہاں جا بیٹھا۔ پھر یسوع تخت سے اُٹھ کھڑا ہوا، اور جو لوگ سجدہ میں جھکے ہوئے تھے اُن میں سے اکثر اُس کے ساتھ اُٹھے۔ میں نے یہ نہیں دیکھا کہ یسوع کے اُٹھنے کے بعد اُس سے بے پرواہ ہجوم کی طرف نور کی ایک بھی کرن گئی ہو، اور وہ کامل تاریکی میں چھوڑ دیے گئے۔ جو لوگ یسوع کے اُٹھنے پر اُس کے ساتھ اُٹھے تھے، وہ اُس وقت تک اپنی نظریں اُسی پر جمائے رکھے رہے جب وہ تخت کو چھوڑ کر انہیں کچھ فاصلے تک باہر لے گیا۔ پھر اُس نے اپنا دہنا بازو اُٹھایا، اور ہم نے اُس کی دلنشین آواز سنی جو کہہ رہی تھی، 'یہیں ٹھہرو؛ میں اپنے باپ کے پاس بادشاہی لینے جا رہا ہوں؛ اپنے لباس بے داغ رکھو، اور تھوڑی ہی دیر میں میں شادی سے لوٹ کر آؤں گا اور تمہیں اپنے پاس لے لوں گا۔' پھر ایک ابریل رتھ، جس کے پیچھے شعلہ زن آگ کی مانند تھے اور جو فرشتوں سے گھرا ہوا تھا، وہاں آیا جہاں یسوع تھا۔ وہ رتھ میں سوار ہوا اور قدس الاقداس میں لے جایا گیا، جہاں باپ متمکن تھا۔ وہاں میں نے یسوع کو، ایک عظیم سردار کاہن کے طور پر، باپ کے حضور کھڑا دیکھا۔ اُس کے لباس کے دامن پر ایک گھنٹی اور ایک انار، ایک گھنٹی اور ایک انار تھا۔ جو لوگ یسوع کے ساتھ اُٹھے تھے، وہ اپنی ایمان بھری التجا قدس الاقداس میں اُس کی طرف بلند کرتے اور دعا کرتے، 'اے میرے باپ، ہمیں اپنی روح عطا فرما۔' پھر یسوع اُن پر روح القدس پھونکتا۔ اُس سانس میں نور، قدرت، اور بہت سا محبت، خوشی، اور سلامتی تھی۔»

para contemplar al grupo que aún permanecía postrado ante el trono; no sabían 56" que Jesús lo había dejado. Satanás parecía estar junto al trono, procurando continuar la obra de Dios. Vi que ellos alzaban la vista hacia el trono y oraban: 'Padre, danos Tu Espíritu'. Entonces Satanás soplabá sobre ellos una influencia impía; en ella había luz y mucho poder, pero no había amor dulce, gozo ni paz. El propósito de Satanás era mantenerlos engañados y hacer retroceder y engañar a los hijos de Dios." Primeros Escritos, 55, 56"

مقدس کو اُس "کنجی" کے طور پر شناخت کیا گیا تھا جو اُن تمام غلط فہمیوں کی توضیح کرتی تھی جو مقدس کی غلط فہمی سے پیدا ہوئی تھیں۔ وہی "کنجی" تھی جس نے مایوسی کی توضیح کی۔ آخری ایام میں "کنجی" مایوسی ہے، جو ہیکل کی غلط فہمی کی توضیح کرتی ہے۔

از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، «زمان دیگر نخواهد بود»، و اکنون باید خطای نومیدی ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ اصلاح شود، اما نہ از حیث زمان، زیرا زمان دیگر نیست۔

اور جس فرشتے کو میں نے سمندر اور زمین پر کھڑا دیکھا تھا، اُس نے اپنا ہاتھ آسمان کی طرف اُٹھایا، اور اُس کی قسم کھائی جو ابدالآباد زندہ ہے، جس نے آسمان اور اُس کی سب چیزوں کو، اور زمین اور اُس کی سب چیزوں کو، اور سمندر اور اُس کی سب چیزوں کو پیدا کیا، کہ پھر مہلت نہ رہے گی؛ بلکہ ساتویں فرشتے کی آواز کے دنوں میں، جب وہ نرسنگا پھونکنا شروع کرے گا، تو خدا کا بھید پورا ہو جائے گا، جیسا اُس نے اپنے بندوں یعنی نبیوں پر ظاہر کیا تھا۔ مکاشفہ 7-10:5۔

مکان پیشگوئی‌ای کہ باید اصلاح شود نشویل، تنسی است، و این مکان را نمی‌توان تغییر داد؛ زیرا آن را نہ Future for America، بلکہ الن وایت تعیین کرده است، و روح نبوت ہرگز خطا نمی‌کند۔

«جب میں نیشول میں تھی، میں لوگوں سے خطاب کر رہی تھی، اور رات کے وقت آسمان ہی سے آگ کا ایک نہایت عظیم گولا آیا اور نیشول پر آٹھرا۔ اس گولے سے تیر کی مانند شعلے نکل رہے تھے؛ گھر چل کر خاک ہو رہے تھے؛ گھر بچکولے کھا رہے تھے اور گر رہے تھے۔ ہمارے بعض لوگ وہاں کھڑے تھے۔ انہوں نے کہا، 'یہ بالکل ویسا ہی ہے جیسا ہم نے توقع کی تھی؛ ہم اسی کی توقع رکھتے تھے۔' دوسرے لوگ کرب میں اپنے ہاتھ مل رہے تھے اور خدا سے رحم کے لیے فریاد کر رہے تھے۔ انہوں نے کہا، 'تم جانتے تھے، تم جانتے تھے کہ یہ آنے والا تھا، اور ہمیں خبردار کرنے کے لیے ایک لفظ بھی نہ کہا! وہ ایسے معلوم ہوتے تھے گویا ہمیں ٹکڑے ٹکڑے کر ڈالیں گے، یہ سوچ کر کہ ہم نے انہیں کبھی کچھ بتایا ہی نہیں اور نہ ذرا بھی کوئی انتباہ دیا۔» مخطوطہ 188، 1905۔

مسئلہ درونی گویہاں آتشین فروادآمدہ بر نشویل این است کہ آشکار می سازد ادونتیسیم روز ہفتم لائودیکہ از پیام ہشدار نشویل آگاہ بود، اما خاموشی گزید۔ این همان نقطہ در تاریخ نبوی است کہ در آن «شرم» یا «شادی» پیام فریاد نیمہ شب آشکار می گردد۔ این همان نقطہ ای است کہ در آن کسانی کہ قرار است بہ علم بدل شوند، در تمایز از کسانی کہ سپس بہ وسیلہ مردم جہان - کہ از این کہ ادونتیسیم روز ہفتم لائودیکہ ہیچ ہشدار نشوایی نداد، بہ ستوہ آمدہ و خشمگین اند - شرمسار می شوند، آغاز بہ برافراشتہ شدن می کنند۔ ہمیں تمایز نبوی در کوہ کرمل میان ایلیا و انبیای بعل بہ تصویر کشیدہ شد، و نیز در تاریخ فرشتہ دوم در تاریخ میلری، آنگاہ کہ پروتستان ہا بہ پروتستان ہای مرتد بدل شدند و نقش خود را بہ عنوان نبی کاذب آغاز کردند و بہ دختران روم مبدل گشتند۔ در سال ۱۹۸۹، شاخ سیاسی از طریق ریگان دقیقاً ہمیں کار را انجام داد، با این تفاوت کہ ریگان بہ دختران روم بدل نشد، بلکہ بہ آخاب و کلویس اول، دلدادگان روم، بدل گردید۔

«مرا منظرہ ای نشان دادہ شد۔ شب پیش از سبت بود۔ در همان ہنگام آن منظرہ بہ من ارائه شد۔ از پنجرہ بہ بیرون نگریستم، و گوی عظیمی از آتش بود کہ از آسمان آمدہ بود، و در جایی فرود آمد کہ آنان بناہایی با ستون ہا برپا می کردند؛ بہ ویژہ ستون ہا بہ من نشان دادہ شدند۔ و چنان می نمود کہ گویی آن گوی درست بہ سوی آن بنا آمد و آن را درہم کوید، و ایشان دیدند کہ آن آتش شاخہ شاخہ می شود، شاخہ شاخہ می شود، گسترش می یابد، و شروع بہ فریاد و زاری کردند و زاری کردند، و دست ہای خود را می فشردند؛ و من گمان کردم کہ برخی از افراد ما در آنجا ایستادہ بودند و می گفتند: "خوب، این همان چیزی است کہ ما انتظارش را داشتیم؛ این همان چیزی است کہ دربارہ اش سخن گفتہ ایم؛ این همان چیزی است کہ دربارہ اش سخن گفتہ ایم۔" شما آن را می دانستید؟" مردم گفتند۔ "شما آن را می دانستید، و ہرگز دربارہ اش بہ ما نگفتید؟" گمان کردم کہ چہ جانکاهی ای در چہرہ شان بود، چہ جانکاهی ای در ظاہرشان بود۔» Manuscript 152؛ 1904

سرخوردگی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ «کلید» شناسایی معبدی است کہ باید ہمچون علمی برافراشتہ شود۔ تمایز میان دو طبقہ از ادونتیسٹ ہا یکی از مضامین اصلی نبوت کتاب مقدس است۔ ارمیا از پیوستن بہ «مجمع استہزاکنندگان» امتناع ورزید، و کلیسای سیمیرنا و فیلادلفیا ہر دو در تقابل با کنیسہ شیطان قرار دادہ شدند؛ همانانی کہ ادعا می کردند یہودی اند، اما نبودند۔ تمایز میان این دو طبقہ از ادونتیسٹ ہای معترف، در روش شناسی ای کہ برای مطالعہ کتاب مقدس بہ کار می برند، بازنمایی می شود۔ این همان تمایز میان تعلیم حقیقی و «آموزش عالی، بہ اصطلاح» است، چنان کہ خواہر وایت آن را می نامد۔

نشویل تُعرَف بِلَقَب «أثينا الجنوب»، وأشهرُ مَبْنَى يُمثِّل اليونان في نشویل هو البارثينون في حديقة سنٲينيال، الذي بُني سنة 1897 بوصفه نسخة مطابقة بالحجم الكامل للبارثينون اليوناني القديم. وقد شُيِّد احتفالاً بالذكرى المئوية لانضمام تينيسي إلى الاتحاد سنة 1796، وكان المقصود أن يهدم بعد الاحتفال. لكن الأرض حُولت بدلًا من ذلك إلى حديقة سنة 1903، وأعيد بناء البارثينون بناءً دائمًا من سنة 1920 إلى سنة 1931.

نام «پارتنون» از واژه یونانی parthénos گرفته شده است که به معنای «دوشیزه» یا «باکره» است و به آتنا در جلوه او به عنوان الهه دست‌نخورده، فرزانه، و جنگاور حکمت، راهبر، هنرها، صناعات، و تمدن اشاره دارد. این بنا که میان سال‌های 447 تا 432 پیش از میلاد بر فراز آکروپولیس آتن ساخته شد، مجسمه‌ای عظیم کریزلفانتین (از طلا و عاج) از آتنا، اثر پیکرتراش فیدیاس، را در خود جای می‌داد—و در اصل به منزله «خانه» یا اقامتگاه الهی او عمل می‌کرد، جایی که باور داشتند او در آن حاضر است.

نظامُ التعليم الغربيّ، بما يُؤليه من تأكيدٍ على المعرفة الواسعة، والبحث النقدي، والإعداد للمواطنة، وإطار الفنون الحرة، يرتكز في أساسه على الفلسفة والممارسة اليونانيتين القديمتين. فلولا أكاديمية أفلاطون، وليسيوم أرسطو، أو البايدا الأثينية، لكان التعليم الحديث كما نعرفه اليوم مختلفاً اختلافاً كبيراً.

در سال ۱۹۰۴، مدرسهٔ مدیسون در نه مایلی خارج از نشویل تأسیس شد. الن وایت از اعضای مؤسس هیئت امنای مدرسهٔ اولیهٔ مدیسون بود (که به‌طور رسمی «مؤسسهٔ کشاورزی و تربیت معلم نشویل» نام داشت و بعدها با نام «کالج مدیسون» شناخته شد). او از آغاز تأسیس آن در سال ۱۹۰۴، به‌عنوان عضو مؤسس هیئت‌مدیره خدمت کرد. او تا حدود سال ۱۹۱۴ (یعنی یک سال پیش از مرگش در ۱۹۱۵) در هیئت‌مدیره باقی ماند.

این تنها هیئت امنای کالج یا مؤسسه‌ای بود که او هرگز پذیرفت به آن بپیوندد یا در آن خدمت کند. او عمداً چنین مناصب رسمی را در دیگر سازمان‌های ادونتیست محدود ساخت، اما برای مدیسون استثنا قائل شد، زیرا با رهنمودهای آموزشی او هم‌سو بود (خوداتکا، مبتنی بر مزرعه، معطوف به آموزش مأموریتی با تأکید بر کتاب مقدس، کار یدی، و آمادگی عملی برای خدمت در جنوب و فراتر از آن). پیام‌های نشویل از خواهر وایت در سال‌های ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ آمد، همان دوره زمانی که مدرسه مدیسون در آغاز راه بود، و نمایشگاه پارتنون در حال تبدیل شدن به بنایی دائمی در پارک دائمی بود. نماد آموزش یونانی و آموزش آسمانی، هر دو، آغازهای خود را در همان بازه کوتاه زمانی رقم می‌زدند؛ همان بازه زمانی‌ای که رؤیاهای گلوله‌های آتش نشویل داده شد.

«دیشب صحنه‌ای در برابر من به نمایش گذاشته شد. شاید هرگز احساس نکنم که در بیان همهٔ آن آزاد هستم، اما اندکی از آن را آشکار خواهم کرد.»

«چنین می‌نمود که گوی عظیمی از آتش بر جهان فرود آمد و خانه‌های بزرگ را درهم کوبید. از جایی به جای دیگر این فریاد برمی‌خاست: "خداوند آمده است! خداوند آمده است!" بسیاری برای ملاقات او آماده نبودند، اما اندکی می‌گفتند: "خداوند را حمد باد!"»

«چرا خداوند را حمد می‌کنید؟» آنان که هلاکت ناگهانی بر ایشان فرامی‌رسید، پرسیدند.

«زیرا اکنون آنچه را که در پی آن بوده‌ایم، می‌بینیم.»

«اگر ایمان داشتید که این امور در راه‌اند، چرا ما را آگاه نساختید؟» این پاسخ هولناک بود. «ما از این امور آگاهی نداشتیم. چرا ما را در بی‌خبری رها کردید؟ بارها و بارها ما را دیده‌اید؛ چرا با ما آشنا نشدید و از دآوری در شرف وقوع به ما خبر ندادید، و اینکه باید خدا را خدمت کنیم، مبادا هلاک شویم؟ اکنون ما از دست رفته‌ایم!» دست‌نوشته 102، 1904.

پس زمینهٔ پیام‌های نشویل از لحاظ جغرافیایی در چارچوبی روحانی از تعلیم راستین یا تعلیم کاذب قرار داده شد؛ تعلیمی که جان را آماده می‌سازد تا شهروند یا آسمان باشد یا زمین. در رؤیاهای خواهر وایت دربارهٔ نشویل هیچ اشاره‌ای به اسلام وجود ندارد؛ پس چه توجیهی می‌تواند برای پیوند دادن اسلام با رؤیای گلوله‌های آتش بر فراز نشویل وجود داشته باشد؟ اصلاح پیام نشویل در سال 2020

چگونه با کار یوشیا لیچ و ساموئل اسنو هماهنگ می‌بود؟ اصلاحات آنان هنگامی انجام شد که دریافتند همان شواهدی که به پیش‌بینی نخست انجامیده بود، همان شواهدی نیز بود که پیش‌بینی اصلاح‌شده را استوار می‌ساخت.

شواهد اسلام مدت‌ها پیش از آن‌که با پیام هشدار نشویل مرتبط شود، برقرار شده بود. پیام اسلام به‌طور مستقیم به پیام فرشته سوم پیوسته است. این حقیقت بر پایه چندین شاهد کتاب مقدسی به تصویر کشیده شده است. هشدار فرشته سوم، هشدار درباره نشان اقتدار پادشاه شمال را نمایندگی می‌کند، و هشدار اسلام به‌وسیله هشدار پسران مشرق represented می‌شود.

اما اخباری از مشرق و از شمال او را مضطرب خواهد ساخت؛ از این‌رو با خشم عظیم بیرون خواهد رفت تا بسیاری را هلاک کند و به‌کلی نابود سازد. دانیال ۱۱:۴۴.

فرشته سوم 22 اکتوبر 1844 کو تاریخ کے منظر پر وارد ہوا، جب ساتویں نرسنگے نے بجنا شروع کیا۔ ساتواں نرسنگہ اسلام کی تیسری ہلاکت بھی ہے۔ 1863 کی بغاوت نے ساتویں نرسنگے کی صدا کو 9/11 تک خاموش رکھا، جب تیسرا فرشتہ مکاشفہ باب اٹھارہ میں نازل ہوا، اور نیویارک کی عظیم عمارتیں خدا کی قدرت کے ایک لمس سے گرا دی گئیں۔

۱۱/۹ آلفا یا آغاز زمان مہر نهادن بود؛ زمانی که با اُمگا یا پایان مہر نهادن یک‌صد و چهل و چہار ہزار نفر، در قانون یک‌شنبہ‌ای در شرف وقوع، بہ انجام می‌رسد.

۹/۱۱ در ایالات متحده، آلفای زمان آزمون «صورت حیوان» است؛ زمانی که در ایالات متحده بہ اُمگای زمان آزمون «صورت حیوان» پایان می‌یابد، و آن هنگامی رخ می‌دهد کہ نشان حیوان در ایالات متحده بہ اجرا گذاشته می‌شود.

۱۱/۹ آلفا، یا آغاز دآوری زندگان بر وحش زمین است، ہمراہ با شاخ‌های جمهوری‌خواہ و پروتستان آن، کہ در قانون یک‌شنبہ‌ای نزدیک‌الوقوع بہ پایان می‌رسد.

۹/۱۱ آلفای «روز آمادگی خداوند» است، کہ در آزمون مربوط بہ روز سبت خداوند بہ پایان می‌رسد.

۹/۱۱ آلفای برپایی ہیکل است کہ بہ‌وسیله سنگ بنیاد نمادین شدہ است، و هنگامی بہ پایان می‌رسد کہ اومگا، یعنی سنگ سر زاویہ، بر ہیکل نہادہ شود.

9/11 در ایالات متحده آلفای وای سوم است، کہ در زلزله مکاشفہ یازدہ پایان می‌یابد؛ همان قانونی کہ بہ‌زودی درباره یک‌شنبہ خواہد آمد. در آن زلزله، وای سوم بہ‌شتاب فرا می‌رسد. تاریخ گوی‌های آتشین نشویل پیش از بستہ‌شدن زمان آزمایش در قانون یک‌شنبہ رخ می‌دهد، با وجود اعلام کسانی کہ آدونتیسٹ‌های لائودیکیہ‌ای را محکوم می‌کنند و می‌گویند: «اکنون ما ہلاک شدہ‌ایم.»

کتاب یوئیل و تحقق آن در پنتیکاست، مناظرہ پیام فریاد نیمہ‌شب را مطرح می‌سازد؛ آنگاہ کہ گروہی کہ قادر بہ درک افزایش معرفت نیستند، کسانی را کہ می‌فہمند بہ مستی متہم می‌کنند. رویارویی مستان افرایم و حکیمان، موضوعی است کہ در کلام نبوی خدا بارہا بدان پرداختہ شدہ است. یکی از عناصر حقیقت این است کہ این پیام، پیامی دو مرحلہ‌ای است؛ چنان کہ پطرس در بالاخانہ و سپس در ہیکل آن را بہ تصویر کشید. این امر بہ‌صورت دآوری‌ای بازنمایی می‌شود کہ از خاندان خدا آغاز می‌گردد و سپس کسانی را کہ بیرون از خاندان خدا ہستند دربر می‌گیرد. فرایند دآوری ہمچنین بہ‌وسیله دو صدا در مکاشفہ ہجده بازنمایی شدہ است، کہ در آن صدای نخست، 9/11 تا قانون یک‌شنبہ است، و سپس صدای دوم آیہ چہار، قانون یک‌شنبہ را مشخص می‌سازد. تمایز میان پیام نبوی راستین و دروغین باران آخر نیز بہ‌وسیله ایلیا بہ تصویر کشیدہ شدہ است؛ همان کسی کہ ملاکی او را چنین معرفی می‌کند کہ درست پیش از بستہ‌شدن زمان فیض باز می‌گردد.

نمادہای دانایان و نادانان بر کوه کرمل، «ایلیای دانا» و انبیای نادان بعل بودند. ایلیا، پطرس است و انبیای بعل، مستان افرایم هستند. هنگامی که این مستان نادان، به واسطه فروریختن آتش، به عنوان انبیای کاذب بعل آشکار شوند، آنگاه قوم سرانجام پاسخ می دهند که: «یہوہ، او خداست.» آدونتیست های لائودیکیایی روز ہفتم، در تحقق پیشگویی نشویل، بدین سان آشکار می شوند. آنان کہ بیرون از آدونتیسم اند و سپس به بی وفایی نادانان بیدار می شوند، تحت تأثیر محکومیت وجدان قرار می گیرند، اما مہلت آزمایش ایشان هنوز بہ پایان نرسیدہ است. تمثیل آشکار شدن باکرہ های دانا و نادان، کہ بہ وسیلہ پیام ہشدار نشویل نمایانده شدہ است، نشانہ ای را ہنما در تحقق نہایی و کامل مثل دہ باکرہ است.

سرخوردگی ۱۸ ژوئہ ۲۰۲۰، پیامی را کہ باید اصلاح شود تعریف می کند، و نیز آشکار شدن کسانی را در درون آدونتیسم کہ روغن دارند و کسانی را کہ ندارند. آنگاہ کسانی کہ فاقد پیام روغنی بودند کہ بہ نشویل ہشدار می دہد، در تقابل قرار می گیرند با آنان کہ واقعاً روغن را در اختیار دارند. از میان دو طبقہ ای کہ یا روغن پیام را دارند یا ندارند، یک طبقہ سرخوردگی ای را تجربہ کردہ است کہ بہ وسیلہ نخستین سرخوردگی تاریخ میلری نمایانہ شد، و طبقہ دیگر آن تجربہ را ندارد. بدون آن سرخوردگی ای کہ بہ واسطہ میلریان نمادین شدہ است، هیچ اصلاحی برای هیچ پیشگویی تحقق نیافتہ ای صورت پذیر نیست. این واقعیت کہ پیشگویی نشویل در سال ۲۰۲۰ در حال شناسایی اسلام بود، با عنصری از یک پیام ناکام کہ نیازمند اصلاح است، سازگار می باشد.

یکی از شواہد این امر در این واقعیت یافت می شود کہ تاریخی کہ در آن گوی های آتشین نشویل پدیدار می شوند، نہ تنها از آن روست کہ با تاریخ نخستین مایوس شدن میلریتی ها و اصلاح پیام پس از آن مطابقت دارد، بلکہ نیز از آن جہت کہ در درون تاریخی رخ می دہد کہ با ورود فرشتہ سوم در 11/9 آغاز می شود، و این امر رسیدن اسلام وای سوم را علامت گذاری می کند، و این کہ اسلام بہ طور نبوی بار دیگر در زلزلہ قانون یکشنبہ در مکاشفہ یازدہ وارد می شود. حفظ اسلام در این پیام، با وجود آن کہ هیچ اشارہ مستقیمی از سوی خواہر وایت بہ اسلام و ہشدار نشویل وجود ندارد، بر اساس مضمون آن تاریخ است کہ ہمانا اسلام می باشد.

در یکصد و پنجاہ و سومین مقالہ از مجموعہ ای با عنوان «کتاب دانیال»، تشخیص دادیم کہ مطابق با شہادت بلعام و الاغ، اسلام کہ بہ وسیلہ الاغ نمایندگی می شود، در تاریخ از ۹/۱۱ تا قانون یکشنبہ، سہ تعامل اصلی با ایالات متحدہ خواہد داشت. ۹/۱۱ را بہ عنوان نخستین تعامل شناسایی کردیم، سپس ۷ اکتبر ۲۰۲۲ را بہ عنوان دومین. توجہ نمودیم کہ نخستین حملہ بر سرزمین جلالی روحانی بود و دومین حملہ بر سرزمین جلالی تحت اللفظی اسرائیل، و این کہ سومین حملہ، حملہ ای خواہد بود در زلزلہ قانون یکشنبہ. خاطرنشان ساختیم کہ تاریخ بلعام در این سطح نبوی، مہر حقیقت را بر خود داشت، زیرا نخستین و آخرین حملہ بر سرزمین جلالی روحانی بود و حملہ میانی بر سرزمین جلالی تحت اللفظی، کہ نمادی از عصیان است. اکنون می بینیم کہ ضربہ چہارمی کہ آغاز پیام فریاد نیمہ شب را مشخص می سازد، در سرزمین جلالی روحانی هنگامی رخ خواہد داد کہ گلولہ های آتشین نشویل تحقق یابند. این بدان معناست کہ دومین ضربہ بلعام و الاغ او مضاعف است، بہ گونه ای کہ نخستین دو ضربہ بر سرزمین جلالی تحت اللفظی و دومین بر سرزمین جلالی روحانی وارد می شود.

اس مضمون نے ایک نامکمل سچائی پیش کی تھی جسے اب یہوداہ کے قبیلہ کے شیر نے نیشول کے آگ کے گولوں کے ساتھ اسلام کے نبوتی تعلق کی ایک اور گواہی کے طور پر ظاہر کیا ہے۔ آگ کے گولوں کے ساتھ اسلام کے ربط کی تائید میں ایک اور دلیل مقدس تاریخ کی اصلاحی لکیروں کے اندر پائی جاتی ہے۔ ہر اصلاحی تحریک کا اپنا ایک مخصوص موضوع ہوتا ہے جو پوری اصلاحی تحریک میں سرایت کیے رہتا ہے۔ موسیٰ کی اصلاحی تحریک میں یہ ایک برگزیدہ قوم کے ساتھ عہد میں داخل ہونے کے بارے میں تھا۔ مسیح کی اصلاحی لکیر میں یہ مسیحا کے بارے میں تھا۔ داؤد کی اصلاحی لکیر میں یہ دس

احکام اور مقدس کے بارے میں تھا۔ ملیرائیٹوں کے ہاں موضوع نبوتی وقت تھا، کیونکہ ملیرائیٹ "وقت کے پیغام" کو اٹھائے ہوئے تھے۔ 9/11 پر تیسرے فرشتے کی آمد کے ساتھ ایک سو چوالیس ہزار کی اصلاحی لکیر کا موضوع تیسرے افسوس کا اسلام، مشرق کے فرزند، بائبل نبوت کا گدھا، مکاشفہ نو کے جنگی گھوڑے، مشرقی ہوا، ٹڈیاں، اور اقوام کو غضب ناک کرنا قرار دیا گیا۔

زلزلہ ی مکاشفہ ی یازدہ، اسلام وای سوم را مشخص می سازد، و در عین حال نمایانگر پایان پیام ندای نیمه شب نیز هست۔ ندای نیمه شب به وسیله ی ورود ظفرمندانہ ی مسیح به اورشلیم نمونہ سازی شدہ بود، کہ با رہا کردن الاغ آغاز شد۔ آغاز ندای نیمه شب در تاریخ میلری، رسیدن ساموئل اسنو سوار بر اسب به گردهمایی اردویی اکستر بود۔ آغاز دورہ ی ندای نیمه شب با نمادہای اسلام مشخص می شود۔ شواہد فراوانی وجود دارد کہ تأیید می کند پیام اصلاح شدہ ی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، اسلام را به عنوان بخشی از پیام هشدار در بر می گیرد۔ تاریخی مشخص نشدہ است، اما گوی های آتشین نشویل مناقشہ ی «شراب تازه» را در ایام آخر مشخص می سازند؛ بنابراین، گوی های آتشین نشویل شامل اسلام نیز هستند، اما درباره ی شناسایی گوی های آتشین به عنوان سلاح های ہستہ ای چہ می توان گفت؟

پیام باید بر پایہ شہادت های بسیار، اطلاق اسلام را به عنوان خصم در این حملہ حفظ کند۔ خطای وقت گذاری کہ نیازمند اصلاح است، ہم به وسیلہ ۱۸۴۰ و ہم ۱۸۴۴ نمونہ سازی شدہ است۔ زمان دیگر نباید بخشی از پیام نبوتی باشد، ہرچند اعداد ہمچنان هستند۔ خطایی کہ به وسیلہ بدفہمی معبد مقدس نمایان شدہ است نیز باید حل و فصل گردد؛ اما پیش از آن کہ بتوان آن را حل کرد و در پیام اصلاح شدہ گنجانید، باید خطایی کہ بدفہمی معبد مقدس نمونہ آن بود شناسایی شود۔ آن بدفہمی معبد مقدس در هشدار نشویل ۱۸ ژوئیه نمایانگر چہ بود؟

من بر این باورم کہ پاسخ ها در نوری یافت می شوند کہ از پایان سال ۲۰۲۳ در حال گشودہ شدن بودہ است۔ سہ خط موازی یازدہ فصلی، کہ از فصل یازدہم آغاز می شوند و در فصل بیست و دوم در پیدایش، متی و مکاشفہ پایان می پذیرند، تجدید عہد خدا با صد و چہل و چہار ہزار نفر هستند۔ آیا ما با چنان رفتار کردن کہ گویی ندای او را نشنیدہ ایم، پیشنہاد رحمت او را رد می کنیم، یا سر فرود می آوریم و در قوت انسانی خود اعلام می کنیم: «ہر آنچه او امر فرماید، انجام خواہم داد»؟ یا آن کہ بہ روح القدس اجازہ می دہیم شریعت خویش را بر دل ها و اذہان ما بنگارد؟

پاسخ ها ہمچنین در گشودہ شدن دانیال فصل دوازدهم، در آن سہ آیہ ای یافت می شوند کہ زمان را ہمچون پیام های فرشتہ اول، دوم و سوم ارائه می کنند۔ آن سہ آیہ نیز بہ ترتیب، ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ را در آیہ ہفتم، ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را در آیہ دوازدهم، و سپس سال ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبہ و تا پایان مہلت آزمون را در آیہ یازدہم مشخص می سازند۔ آن سہ حقیقت، در درون آن سہ آیہ، درست در همان بخش از کلام مقدس قرار دارند کہ در آن فرایند آزمون سہ گانہ ای کہ ہرگاہ نبوتی گشودہ می شود ہموارہ رخ می دہد، بیان شدہ است!

مسیح نہ تنها آزمون سہ گانہ دانیال دوازدهم را مہرگشایی کرد، بلکہ آن آزمون ها را نیز بہ عنوان آزمونی بنیادی، سپس آزمونی ہیکلی، و پس از آن آزمونی محک زنندہ مشخص نمود۔ افزون بر این، او تعیین کرد کہ آزمون بنیادی در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ آغاز شد و بر آزمون بنیادی جنبش میلریتی مبتنی بود؛ چنان کہ ضد مسیح بہ مثابہ نمادی کہ رؤیای خارجی را برقرار می سازد، بازنمایی شدہ است۔

سپس او آزمون دوم، یعنی آزمون ہیکل، را همان گونہ شناسایی کرد کہ در رؤیای دانیال از مسیح در ہیکل در باب دہم بازنمایی شدہ است۔ این آزمون اکنون در حال اجراست۔ بازگشایی مہرہای دانیال دوازده از تاریخ های ۱۹۸۹، ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، و قانون یکشنبہ، شامل رؤیای روم و رؤیای مسیح است۔ ہر دو رؤیا در همان رؤیای واحدی ارائه شدہ اند کہ بازگشایی مہرہای باب دوازدهم در

آن یافت می‌شود. این سه باب یک رؤیا هستند، و رؤیای مسیح آزمون هیکل در باب دهم است، رؤیای ضد مسیح آزمون بنیاد در باب یازدهم است، و نشانه‌های راه صد و چهل و چهار هزار نفر در باب دوازدهم، نمایانگر آزمون سوم و آزمون محک‌اند؛ جایی که نادانان از دانایان جدا می‌شوند، چنان‌که بسیاری پاک می‌شوند، سفید می‌گردند و آزموده می‌شوند.

محنه هیکل، نور لایوان بیست‌وسه را گشود؛ نوری که نور تابوت عهد بود، و همان نور الفای سبت روز هفتم و نور امگای سبت سال هفتم است. نور سبت‌های الفا و امگا، نور تجسد را معرفی می‌کند. آن نور، خدا را در حال پذیرفتن جسم انسانی به منظور اعاده پیوند الوهیت با بشریت معرفی می‌کند؛ همان کاری که مسیح در 22 اکتبر 1844 آغاز کرد، و اکنون آن را در داوری زندگان به پایان می‌رساند.

نور لایوان بیست‌وسه، اعیاد بهاری آلفا را با اعیاد پاییزی امگا به هم پیوست تا همان تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ تا بسته شدن مهلت آزمایش بشر را پدید آورد. در درون این خط، آزمون بنیادی چنین مشخص شده است که در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ فرا می‌رسد، و آزمون هیکل چنین شناخته می‌شود که در سال ۲۰۲۵ آغاز می‌گردد و تا آزمون محک عید شیپورها ادامه می‌یابد. آن صدا در بیابان که در ژوئیه ۲۰۲۳ آغاز شد، با عید فطیر مشخص می‌گردد که پنج روز پس از راه‌نشان سه‌بخشی پایان یافت. سپس دوره‌ای سی‌روزه، که پس از آن راه‌نشان سه‌بخشی آمد و پس از آن پنج روز، و بدین‌سان سه گام انجیل جاودان را به تصویر کشید. راه‌نشان آلفای سه‌بخشی، که پنج روز در پی آن است، فرشته اول است؛ آن سی روز، فرشته دوم است؛ و راه‌نشان امگای سه‌بخشی، که پنج روز در پی آن است تا قانون یکشنبه پنتیکاست، فرشته سوم است.

مسیح همچنین نور لایوان بیست‌وسه را در ساختن تابوت عهد در آزمون زمان هیکل گشود. پیام، یا فرشته سبت روز هفتم، در یک سوی تابوت، و فرشته سبت سال هفتم، در سوی دیگر تابوت، کروبیان پوشانده را که به درون تابوت می‌نگرند، نمایندگی می‌کنند. در تاریخ مهر شدن صد و چهل و چهار هزار، نور دوگانه آن دو فرشته نمایانگر سبت روز هفتم و تعلیم تجسد است و موضوعی را تشکیل می‌دهد که تا ابد مورد مطالعه خواهد بود.

البته، اگر نتوانید «هفت زمان» را به مثابه نماد یوبیل، یعنی اعلامیه رهایی روحانی سال 1863، ببینید، آنگاه نخواهید دید که نبوت‌های آلفا و امگای ویلیام میلر همان «هفت زمان» و «دو هزار و سیصد روز» بودند. ناتوانی در دیدن اهمیت این دو نبوت زمانی مرتبط، هرگونه تشخیص این حقیقت را مانع می‌شود که 1798 نمایانگر «هفت زمان» است و 1844 نمایانگر «دو هزار و سیصد روز». با چنین فقدان معرفتی، دیدن این مطلب عملاً ناممکن خواهد بود که هنگامی که لایوان بیست‌وسه، سطر بر سطر، در کنار هم قرار داده می‌شود، به گونه‌ای که بیست‌ودو آیه نخست آن که اعیاد بهاری را بیان می‌کنند با بیست‌ودو آیه پایانی اعیاد پاییزی همراه شوند، آن خط با سبت روز هفتم که با 1844 نمایانده شده آغاز می‌گردد، و سبتی که این خط چهل و چهار آیه‌ای را به پایان می‌رساند، سبت زمین است که با 1798 نمایانده شده است.

دو سبت که باهمی تعلق کو نه دیکه سکنی کی ناتوانی، دراصل اس ناتوانی کی نمائندگی کرتی ے کہ 1798 کے سات زمانے انسانیت ہیں اور 1844 کے تئیس سو دن الوہیت ہیں۔ ایسی گہری نابینائی کے ساتھ، بظاہر یہ تقریباً ناممکن معلوم ہوتا ے کہ ساتویں دن کے سبت کی الفا روشنی اور تجسد کے عقیدہ کی اومیگا روشنی، مسیح کے اس کام کی نشان دہی کر رہی ہیں جس میں وہ اپنی الوہیت کو سقوط یافتہ انسان کی انسانیت کے ساتھ متحد کرتا ے۔ مسیح کا اپنی الوہیت کو ہماری انسانیت کے ساتھ متحد کرنے کا کام، 1798 کو 1844 کے ساتھ جمع کرنے ہی کا کام ے، کیونکہ 1798 انسانی جسم کی نمائندگی کرتا ے اور 1844 الوہیت کی نمائندگی کرتا ے۔

انسان در صورت خدا آفریده شد و دارای طبیعتی برتر و طبیعتی فروتر بود. طبیعت برتر انسان جسمانی و به گناه فروخته شده است. مسیح در همان لحظه تبدیل، ذهن خود را به جان توبه کرده عطا می‌کند، زیرا تبدیل همان‌جاست که در آن عادل‌شمردگی واقع می‌شود، و عادل‌شمرده شدن یعنی عادل گردانیده شدن. طبیعت فروتر را نمی‌توان به‌طور آبی فدیه داد، و وعده انجیل درباره طبیعت فروتر این است که در بازگشت مسیح، بدنی جلال‌یافته دریافت می‌کنیم. طبیعت برتر همان ذهن است و طبیعت فروتر همان جسم. طبیعت برتر، نبوت «هفت زمان» است که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، در روز کفاره، به پایان رسید؛ هنگامی که شیپور هفتم و شیپور یوبیل هر دو آغاز به نواختن کردند. «هفت زمان» طبیعت فروتر در ۱۷۹۸ پایان یافت، زیرا تا آمدن دوم مسیح نمی‌تواند نو شود.

هفت زمان ۱۷۹۸، هفت زمان ۱۸۴۴ و دو هزار و سیصد سال ۱۸۴۴، نمایانگر کار مسیح است که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد. آن کار این بود که الوهیت او با انسانیت متحد گردد؛ اما هنگامی که معبدی که از انسانیت و الوهیت تشکیل شده است، می‌بایست در ۱۸۴۴ به هم پیوسته شود، ۱۷۹۸ نباید در آن منظور می‌گردید، زیرا آن نمایانگر صحن امت‌هاست.

آزمون هیکل شامل اندازه‌گیری هیکل است، و در اوایل تاریخ گشوده‌شدن مَهرها که در سال ۲۰۲۳ آغاز شد، گشوده‌شدن هفت رعد تاریخ نخستین نومیدی تا نومیدی عظیم را به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین ظهور تاریخی که به‌وسیله هفت رعد نمادپردازی شده است، مشخص ساخت؛ تاریخی که الهام می‌گوید نمایانگر وقایعی است که در خلال تاریخ فرشته اول و دوم روی داد، و نیز وقایع آینده‌ای که به‌ترتیب خود مکشوف می‌گردید. این تحقق کامل در چارچوب حقیقتی قرار داده شد که یکی از نخستین مکاشفات پدیدآمده در سال ۲۰۲۳ بود. نومیدی آغازین، نمایانگر نومیدی امگا بود، و در میانه، اجتماع اردویی اکستر قرار داشت؛ جایی که دانایان و جاهلان بر اساس «روغن» پیام از یکدیگر جدا شدند.

معبد المیلربین از یأس به یأس بنا شد؛ و بدین‌سان، شناسانده می‌شود که معبد صد و چهل و چهار هزار نفر از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع، که در آن در مَثَل بسته می‌شود، برپا می‌گردد، درست همان‌گونه که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ چنین شد. تاریخی که به‌وسیله هفت رعد بازنمایی شده است، همان تاریخی است که در پرتو دانیال دوازده بازنمایی می‌شود. نور هزار و دویست و نود روز دانیال دوازده به‌طور مستقیم به دوره سی‌ساله‌ای متصل است که در آیه یازدهم بازنمایی شده است. همچنین این امر با آن سی‌ساله‌ای نیز مرتبط است که به‌وسیله نخستین نماینده عهد با قومی برگزیده و آن نبی‌ای که برای مشخص ساختن تغییر رابطه عهد از اسرائیل تحت‌اللفظی به اسرائیل روحانی برانگیخته شد، ممتاز گردیده است. آن سی‌روز در میانه چارچوب لاویان بیست و سه، همان سی سال نخستین گام عهد سه‌گانه ابراهیم با خداست. آن سی سال از ۵۰۸ تا ۵۳۸ در آیه یازدهم، نمادی از کهنات صد و چهل و چهار هزار نفر است.

سی روز در ساختار لاویان بیست‌وسه بخشی از آن چهل روزی است که مسیح تا هنگام عروج خویش، رو در رو به شاگردانش تعلیم می‌داد. عدد سی نماد کاهنانی است که خدمت خود را در سی‌سالگی آغاز می‌کردند. سی سال ۵۰۸ تا ۵۳۸، انتقال از روم بت‌پرست به روم پاپی را مشخص می‌سازد، و بدین‌سان انتقال از کهنات لائودیکه‌ای صد و چهل و چهار هزار به کهنات فیلادلفیایی صد و چهل و چهار هزار را نیز معین می‌کند. این انتقال در سه گام رخ می‌دهد: چنان‌که ۵۰۸ نمودار زمانی است که «دائمی» برداشته شد، فرمان یوستینیان در ۵۳۳، و سپس قانون یکشنبه در ۵۳۸، که با آن این انتقال نهایی گردید.

آن سی سال، از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه را نمایندگی می‌کند؛ جایی که قوم مَهرشده فیلادلفیای خدا، به‌منزله هیکل او، برای آن که تمامی جهان ببیند، افراشته خواهند شد. آنگاه جهان میان مسیح، که

بہ وسیلہ قوم خود نمود یافته است، کہ با مسیح در جای های آسمانی نشستہ اند و از این رو در ہیکل خدا ہستند؛ و میان آن مرد گناہ، کہ در ہیکل خدا نشستہ و خود را چنین می نمایاند کہ خداست، داوری خواہد کرد۔ در قانون یکشنبہ ای کہ بہ زودی خواہد آمد، کارگران ساعت یازدہم، کہ همان گروہ عظیم نیز ہستند، با آزمونی بنیادی روبہ رو خواہند شد۔ آیا سبت روز ہفتم، سبت خداست، یا روز خورشید، سبت خداست۔

«و اکنون صحنہ ای دیگر از برابر او گذشت۔ بہ او کار شیطان نشان دادہ شدہ بود در ہدایت یہودیہاں بہ رد کردن مسیح، در حالی کہ دعوی می کردند شریعت پدر او را حرمت می نهند۔ اکنون او جہان مسیحیت را در فریبی مشابہ دید، کہ در ظاہر اقرار بہ پذیرش مسیح می کردند، حال آنکہ شریعت خدا را رد می نمودند۔ او از کاهنان و مشایخ آن فریاد دیوانہ وار را شنیدہ بود: "او را دور کنید!" "مصلوبش کن، مصلوبش کن!" و اکنون از معلمان ظاہراً مسیحی این فریاد را می شنید: "این شریعت را دور کنید!" او دید کہ سبت زیر پا لگد مال می شود و نہادی مجعول بہ جای آن برقرار می گردد۔ بار دیگر موسی از شگفتی و ہراس لبریز شد۔ چگونہ ممکن بود آنان کہ بہ مسیح ایمان دارند، شریعتی را کہ با صدای خود او بر کوی مقدس گفتہ شدہ بود، رد کنند؟ چگونہ ممکن بود کسی کہ از خدا می ترسد، شریعتی را کہ بنیاد حکومت او در آسمان و زمین است، کنار بگذارد؟ موسی با شادی دید کہ شریعت خدا هنوز بہ وسیلہ اندکی امین حرمت داشتہ می شود و سرافراز می گردد۔ او آخرین نبرد عظیم قدرت های زمینی را برای نابود کردن کسانی دید کہ شریعت خدا را نگاہ می دارند۔ او بہ زمانی نظر افکند کہ خدا برخواہد خاست تا ساکنان زمین را بہ سبب گناہشان مجازات کند، و آنان کہ از نام او ترسیدہ اند، در روز خشم او پوشیدہ و پنهان خواہند شد۔ او عہد صلح خدا را با کسانی شنید کہ شریعت او را نگاہ داشتہ اند، آنگاہ کہ او از مسکن قدوس خویش آواز می دہد و آسمان ها و زمین بہ لرزہ درمی آیند۔ او آمدن دوبارہ مسیح را در جلال دید، و مردگان عادل را کہ بہ حیات جاودانہ برانگیختہ می شوند، و مقدسان زندہ را کہ بی آنکہ مرگ را ببینند متبدل می گردند، و ہمہ با ہم با سرودهای شادمانی بہ سوی شہر خدا صعود می کنند۔» مشایخ و انبیا، 476۔

و آن گروہ عظیم، کہ امت ها و کارگران یک ساعتہ اند، بہ وسیلہ آزمونی بنیادی امتحان می شوند، کہ بی درنگ آزمونی مربوط بہ ہیکل در پی آن می آید۔ آیا ہیکل انسانی روم، با مرد گناہ، آن صخرہ خواہد بود یا آن شن کہ ایمان خود را بر آن بنا می کنید؟ یا آن ہیکل تجسد است، کہ الوہیت و انسانیت متحد با یکدیگر است، کہ ہیکل آن یکصد و چہل و چہار ہزار تن است کہ پطرس آن را «خانہ ای روحانی» می خواند؟ در آن دورہ آزمون بنیاد و ہیکل، آزار و جفا آزمون تعیین کنندہ گام سوم را بہ انجام خواہد رساند، و آنگاہ زمان امتحان انسان بہ پایان خواہد رسید۔

شیر سبط یہوداہ اب آیت چالیس کی پوشیدہ تاریخ کو پُر کر رہا ہے، اور اُس نے خورس، نیرو اور ٹرمپ کی تین، ڈھائی سو سالہ پیشین گوئیوں کے ذریعے مزید روشنی بھی متعارف کرائی ہے؛ اور اُس نے یہ عین اُسی وقت کیا جب وہ نیشول کے تصحیح شدہ پیغام کے اعلان کے کام پر زور دے چکا تھا۔ نیرو کی لکیر ریاستہائے متحدہ اور پھر دنیا میں حیوان کے بت کے آخری قیام کا ڈھانچہ فراہم کرتی ہے۔ خورس کی 457 قبل مسیح کی لکیر رافہ اور پانیئم کے درمیان کی تاریخ کی نشان دہی کرتی ہے، یعنی یوکرینی جنگ اور تیسری عالمی جنگ کے درمیان کی تاریخ، جو اُس وقت شروع ہوتی ہے جب پانیئم جلد آنے والے اتوار کے قانون پر ایکٹیئم کے ساتھ متحد ہو جاتا ہے۔ ٹرمپ کی لکیر اس سال 4 جولائی کو ختم ہوتی ہے۔

نرون نماد جفا است؛ کلیسای سیمیرنا آن تاریخ را مشخص می کند کہ ادامہ می یابد تا جفا ۲۵۰ سال بعد در کلیسای پرغامس و مصالحہ پایان پذیرد۔ این خط، برپا کردن تمثال را مشخص می سازد، و از این رو با تاریخی منطبق است کہ در آن تمثال مسیح در ہیکل او برپا می شود۔ «فرمان» نقطہ

آغازینی است که به نخستین قانون یکشنبه منتهی می‌شود؛ قانونی که پس از آن در بسته جدایی میان شرق و غرب، دانا و نادان، گندم و گُرکاس، و نجات‌یافتگان یا هالکان فرا می‌رسد. «فرمانی» که این دوره را آغاز می‌کند، همان «فرمانی» نیز هست که همان دورهٔ آزمون را برای جهان آغاز می‌نماید. بنابراین، «فرمان» هم نخستین است و هم آخرین. هر نشانهٔ راه در خط هفده‌سالهٔ نرون، جفای فزایندهٔ بحران قانون یکشنبه را مشخص می‌سازد که با یک «فرمان» آغاز می‌شود، چیزی در حد یک «فرمان اجرایی» ریاست‌جمهوری.

فرمان‌های سه‌گانهٔ کورش در ۴۵۷ ق.م. دورهٔ هفده‌ساله‌ای را با سه نشانهٔ راه در پایان آن مشخص می‌کند؛ همان‌گونه که خط نیرون چنین می‌کند و نیز خط دیگر کورش، که با آمدن فرشتهٔ اول، دوم و سوم از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ به پایان رسید. سه گام کورش عبارت‌اند از: نبرد رافیا، سپس ده سال تا گام دوم، و آنگاه هفت سال تا نبرد پانیوم. آغاز و پایان هر دو نبرد، از این رو امضای آلفا و امگا را بر خود دارند. دورهٔ نخست ده‌ساله نمایانگر دورهٔ آزمایشی است که در ۲۰۱۴ با جنگ اوکراین آغاز شد، و دورهٔ دوم هفت سال بعد در نبرد پانیوم به پایان می‌رسد.

پالمونی

پالمونی پیام زمان را برای میلری‌های تاریخ فرشتهٔ اول و دوم گشود، و او پیام اعداد را در تاریخ آن یک‌صد و چهل و چهار هزار، که تاریخ فرشتهٔ سوم است، می‌گشاید.

تاریخ‌های نمادین نبوی، همچون بیست‌ودو سال از ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ که به‌وسیلهٔ شورش مکابیان بازنمایی شده‌اند، علت آغاز پادشاهی ششم و علت پایان پادشاهی پنجم را مشخص می‌سازند. بیست‌ودومین رئیس‌جمهور، گروور کلیولند، آلفای رؤسای جمهوری بود که رئیس‌جمهور اومگا، دونالد ترامپ، را نمونه‌سازی می‌کرد، زیرا آن دو تنها رئیس‌جمهوری هستند که دو دورهٔ غیرمتوالی خدمت کرده‌اند. ترامپ بیست‌ودومین رئیس‌جمهوری است که در کسب دوره‌ای دوم پیروز شده است، اگر آن دسته از رؤسای جمهوری که در خلال دورهٔ رئیس‌جمهوری پیشین جانشین او شدند، همراه با رؤسای جمهوری‌ای که خود برای دوره‌ای دوم پیروز شدند، محاسبه شوند. پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس در ۱۷۹۸، پس از بیست‌ودو سال از اعلامیهٔ استقلال، آغاز شد. ۱۷۹۸ تا ۲۰۲۶ با ۲۲ در تاریخ آلفا و ۲۲ در تاریخ اومگا بازنمایی می‌شود.

گیاره ابواب کی تین سطرین، جو گیاره‌ویں باب سے شروع ہو کر بائیسویں باب پر ختم ہوتی ہیں۔ ان تینوں گیارہ-بابی سطروں میں ایک عین درمیانی نقطہ ہے، جس کی نمائندگی تین آیات کرتی ہیں۔ پیدایش یہ متعین کرتی ہے کہ کب "ختنہ" ایک برگزیدہ قوم کے ساتھ عہدی تعلق کی علامت کے طور پر دیا گیا۔ یہ پہلی بار تھا کہ ایک منتخب قوم کو عہدی قوم کی نمائندگی کرنے والی ایک نشانی دی گئی، اور متی میں درمیانی تین آیات اُس چٹان کی نشان دہی کرتی ہیں جس پر مسیح اپنی کلیسیا تعمیر کرے گا۔ وہ آیات یہ ظاہر کرتی ہیں کہ کب شمعون برجونہ کا نام بدل کر پطرس رکھا گیا، جو ایک لاکھ چوالیس ہزار کے مساوی ہے۔ مکاشفہ میں اس سلسلے کا درمیانی حصہ موت کے عہد کی نشان دہی کرتا ہے، کیونکہ وہ پاپائیت کو اُس آٹھویں سر کے طور پر ظاہر کرتا ہے جو اُن سات میں سے ہے۔ آپ کے خیال میں اس کے مضمرات کیا ہیں کہ The Desire of Ages میں باب گیارہ یوحنا ہیتسمہ دینے والے کے پیغام کی نشان دہی کرتا ہے، اور باب بائیس یوحنا کی موت کی؟

La parte central de esos capítulos lo lleva a la página 168, donde comienza el capítulo titulado Nicodemo. El capítulo once se titula El bautismo, y el capítulo veintidós se titula Encarcelamiento y muerte de Juan. El capítulo once es un símbolo de muerte, sepultura y resurrección, como también lo son el capítulo diecisiete y Nicodemo, así como la muerte de Juan

ما این مطالب را در مقالهٔ بعدی ادامه خواهیم داد.